

تحلیل نبّوت پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام معصوم علیه السلام در دعای افتتاح

* سوسن آلس رسول

* * سیده فاطمه رهنما

چکیده: دعای افتتاح که منتبه به حضرت صاحب الامر (عج) است، دارای مضامین عالی و بلندی است که گنجینه‌ای از معارف توحید، نبّوت و امامت را در بر دارد. در این مقاله، بحث نبّوت آن بررسی می‌شود. این دعا با صلوات بر پیامبر خاتم، باب پیامبر‌شناسی را گشوده و در ضمن صلوات، بارزترین ویژگیهای پیامبر ﷺ را بر شمرده است. در این تحقیق، ضمن تحلیل اصل اعتقادی نبّوت، ویژگیها و اوصاف عبودیت، رسالت، امانت، برگزیدگی، محبوبیت، حفظ سرّ الهی و مبلغ بودن نبی اکرم ﷺ بررسی می‌شوند.

کلید واژه‌ها: دعای افتتاح / صلوات / عبد / رسول.

۱. مقدمه

در فرهنگ انسان‌ساز اسلام، مفاهیمی وجود دارند که بی‌نیاز از هرگونه استدلال

Email: S-alerasoul@kiau.ac.ir

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

**. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.



و پرسش‌اند و تنها با داشتن تصوّری از آنها پذیرفته می‌شوند. دعا، یکی از این مجموعه مفاهیم ارزشمند است. دعا در لغت به معنی بانگ زدن و خواندنی است که پیوسته با اسم طرف مقابل همراه است (راغب اصفهانی، ص ۳۱۵) و در اصطلاح، گفت‌گو با خداوند به گونه طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او یا مناجات یا ذکر صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست (مشکینی، ص ۱۷) که در این معنا، مخاطب فقط خداوند است. از این‌رو حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست. به همین دلیل است که قرآن و روايات موصومین علیهم السلام بر آن تأکید می‌ورزند. چنان‌که خداوند در قرآن بندگان خود را به دعا فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» (غافر (۴۰) / ۶۰)؛ «پروردگار تان گفت: بخوانید مراتا شما را پاسخ گوییم» و همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «الدّعاءُ مُعْ العبادةُ و لا يَلْكُمْ مَعَ الدّعاءِ احْدُ» (راوندی، ص ۱۷)، «دعا مغز عبادت است و با دعا کسی هلاک نمی‌شود».

بسیاری از دعاها یکی از طریق رسول خدا علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده‌اند، تنها یک تقاضای شخصی و مناجات فردی نیستند بلکه دنیایی از عرفان و تعلیم و تربیت و برخوردار از محتوا و ژرفای خاصی هستند و به‌طور کلی با طرز تفکر و شیوه درخواستهای ما در دعاها یمان مباینت دارد. در این دعاها آنچه کمتر به زبان می‌آید مال و مقام دنیاست و آنچه به‌طور دائم گفته می‌شود، رضا و قرب خداست. (منقی، ص ۳۰)

موصومین علیهم السلام در مناجات و ادعیه خود غالباً دو هدف اساسی را در نظر داشتند. هدف اول: سپاس خداوند متعال که در نیکوترين قالب‌های معرفتی ابراز شده است؛ هدف دوم: تربیت انسان‌ها و دعوت قافله آدمیان به سوی سعادت جاودانی، پرستش حق و حیات طیبه. (نیکزاده، ص ۸۴-۸۵)

ماه مبارک رمضان که بزرگ‌ترین طرح دینی سالانه، جهت خودسازی جسمی و معنوی و بهسازی الگوی زندگی دینی است بهترین فرصت برای نقد و بررسی

اصول اعتقادی و اخلاقی و مبانی فکری و ارتقای تعمیق آنها است. هر دین دار روزه داری مکلف است با عمل به توصیه های معنوی و دینی درباره سیر و سلوک در این ماه، به روزه داری و پرهیز از خوردن و آشامیدن اکتفا نکند و ماه مبارک رمضان را حقیقتاً نقطه عطف و تحول زندگی خود قرار دهد. در این مسیر، انس با قرآن و ادعیه ویژه ماه مبارک رمضان می تواند نقش مؤثری داشته باشد. یکی از ابزارهای تحقق این امر مهم، دعای افتتاح است که توصیه شده در شب های مبارک ماه رمضان خوانده شود.

دعای افتتاح درس نامه عرض حاجت بندۀ سرشار از نیاز به درگاه خدای بی نیاز است؛ آموزه‌ای از امام مهدی - ارواحنا فداه (عج) - برای فراگیری پیروان و دوستدارانش، تا بهترین لحظات مناجات با خدا را در ماه خدا به مدد آن سپری کند. دعای افتتاح مانند سایر ادعیه چنان با تار و پود توحید، رسالت و امامت به هم آمیخته که تفکیک آنها دشوار است. این دعا زمزمه مناجات انسان است با خدای خویش که غنای خالق و نیاز مخلوق را به تصویر می کشد و درهای امید را به روی انسان ناامید می گشاید و در سرتاسر آن، نصر و فتح را نوید و لطف بی دریغ خدا به خلق را نشان می دهد. این دعا با تکیه و تأکید بر بحث توحید و کشاندن انسان به مقام حمد و سپاس، تلاش می کند درک آدمی را از خداش تصحیح کند. چنان که پس از قرآن، همین ادعیه مأثوره‌اند که ابواب فراوانی از حکمت دینی را به روی انسان می گشایند؛ به خصوص ادعیه‌ای که جامع تر باشند، مانند دعای شریف افتتاح که گرچه به صورت حمد، صلوات، دعاها و درخواستها خودنمایی می کند، بیان‌کننده سه اصل از مهم‌ترین اصول دین، یعنی توحید، نبوت و امامت است.

دعای افتتاح که متنسب به حضرت صاحب‌الامر(عج) است، از مضامین عالی خداشناسی، پیامبرشناسی و امام شناسی و... برخوردار است. ولی متأسفانه با توجه به نیاز مردم عصر ظهور به آموزش این دعا، هنوز مهجور مانده و جایگاه

واقعی خویش را پیدا نکرده و فقط به ماه مبارک رمضان محدود شده، گرچه رمضان طرح خودسازی و پیرایش سالانه، در یک برنامه سی روزه است. این برنامه یک ماهه، آغاز برنامه سالانه است و رمضان هر سال، نقطه تحويل و تحکیم و تمدید و تجدید پیمان با امام خویش است.

حضرت ولی عصر(عج) در دعای افتتاح، زیباترین و جامعترین حمد های الهی را با عبارات گوناگون انشا نموده اند و پس از پایان حمد و ثنای الهی، به روشی بسیار زیبا و با صلوات بر پیامبر ﷺ، باب نبوت و پیامبر شناسی را باز و اوصاف و ویژگیهای ایشان را بیان می کنند.

۲. صلوات بر پیامبر اکرم ﷺ در دعای افتتاح

نبوت، وظیفه ای الهی و نیابتی ملکوتی است که از آن می توان به نمایندگی خداوند تعبیر کرد. خدا این مقام را ویژه برگزیدگان و بندگان شایسته و مقرب و کامل خود قرار داده، آنها را برای راهنمایی انسان ها فرستاده است تا مردم را به خیر و صلاح در امور دنیا و آخرت راهنمایی کنند و از پلیدیهای اخلاقی و رسوم فاسد و عادات زشت، پاک سازند و آنها را پرهیز دهند تا دانش و معرفت بیاموزند و راه و روش کمال و سعادت را بیان کنند تا انسان ها به کمال انسانیت نایل شوند و در دنیا و آخرت به درجات عالی برسند. یکی از نکات بسیار بارز این دعای شریف، ایجاد ارتباط با رسول گرامی و در نتیجه، معرفت به آن مقام شامخ است که این هدف در وهله اول با صلوات های متعدد بر ایشان دنبال شده است.

در صلواتهای این دعا، یک دوره پیامبر شناسی وجود دارد که امام علیه السلام بعد از حمد های هیجده گانه، با عبارت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی» بر حضرت پیامبر علیه السلام درود فرستاده و ضمن اشاره به بارزترین اوصاف ایشان، حضرت را معرفی نموده و بر ایشان صلوات فرستاده اند و آن هم صلواتی با ویژگیهای خاص و از جمله آنکه عبارت دعایی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی» در یک دوره صلوات بر چهارده معصوم، مجموعاً

سه بار و آن هم برای پیامبر ﷺ و اولین امام علیہ السلام و آخرین امام (عج) به کار برده شده است که حکایت از حساس بودن مقام ایشان می‌کند.

«اللّٰهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ...» : و از اینجا زمینه را برای بیان مجموعه‌ای از خواسته‌های خود فراهم کرده‌اند و این، خود حکایت از آن دارد که ائمه هدی هرگاه حوايج مهمی داشته و خواهان نيازهای امر دنيا و آخرت بوده‌اند، ابتلا به رسول اکرم ﷺ و خاندان گرامي او درود و تحيیت می‌فرستادند و سپس تقاضاي خود را يكى پس از ديگري عرضه می‌داشتند؛ چنان‌که در اين دعا هم چنین فرموده‌اند و صد البته باید سرآغاز ذکر حوايج، نام نامي و گرامي رسول اکرم ﷺ را بربازان جاري ساخت. او گوهر گران قدر عالم آفريش است که بدون شک خدای تعالی به واسطه وجود اقدس آن بزرگوار، تمام خواسته‌های داعی را برمی‌آورد و دعای او را به اجابت می‌رساند. (زمزيان، ص ۳۳۰-۳۳۱)

روح انسان به جهت تعلق به ابدان، در قبول انوار الهی ناقص است و از آن نمی‌تواند مستفید و بهره‌مند شود مگر در وقتی که علاقه میان او و روح پیغمبری که صاحب دعوت آن زمان است استحکام پذیرد. زیرا که ارواح مقدس انبیا از عالیق، مبّراست و پیوسته از مبدأ فیاض، فیوض کلیه متوجه ایشان است. پس زمانی که روح کسی با روح پیامبر اکرم ﷺ ساخته شود، پرتوی از آن به روح آن کس می‌تابد و به قدر استعداد خود فیض پذیر می‌شود. بنابراین هیچ واسطه و آشنايی بهتر از صلوات برای آشنايی با سيرت آن حضرت نیست. (عسگرپور، ص ۱۱۰-۱۱۱)

در فرازی از اين دعا امام (عج) ويژگي صلوات بر پیامبر ﷺ را به اين صورت بيان می‌کنند:

...أَفْضَلَ وَ أَحْسَنَ وَ أَجْمَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَزْكَى وَ أَفْيَ وَ أَطْيَبَ وَ أَطْهَرَ وَ أَسْفَى وَ
أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ
أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صِفُوتِكَ وَ أَهْلِ الْكَرَامَةِ عَيْنِكَ مِنْ حَلْقِكَ

در اینجا امام علیه السلام برترین و کامل‌ترین صلوات را برای پیامبر خاتم النبی طلب می‌فرماید و این مربوط به نظام عاطفی و خویشاوندی نیست، بلکه سر این دعا این است که او فردی ممتاز بوده است و به همین دلیل خداوند متعال از بین خلائق اورا برگریده و چون بهترین بندۀ بوده است، والاترین وارجمندترین صلوات را برای آن بزرگوار درخواست می‌دارد. در عین حال امام علیه السلام چگونگی سپاسگزاری و قدردانی را به امت تعلیم می‌دهد که در مقابل زحمات طاقت‌فرسای آن مُنجی عالم، چگونه باید ارادت قلبی خود را ابراز کرد.

در این فراز، امام معصوم علیه السلام پیامبر اکرم علیه السلام را با جملاتی خوانده است که فوق آن را نمی‌توان تصور کرد؛ چرا که امام عصر (عج) تقاضای چنان سلام و درودی برای حضرت خاتم النبی از خداوند عالم کرده است که احدي در آن مقام با او همسانی و برابری نداشته باشد. البته معلوم است که درخواست امام علیه السلام هرگز گذاف و بی‌حساب و غیرمتنااسب و بدون زمینه نیست، بلکه خواسته‌ای معقول و با ضابطه است. معروفی و خواسته‌های امام علیه السلام در حق رسول گرامی اسلام، همگی راستین و سزاوار مقام نبی اکرم علیه السلام است؛ زیرا بلندترین مقام قرب الهی از آن کسی است که دست به کاری زده که در توان هیچ‌یک از فرشتگان و پیامبران گذشته نبوده است. آنچه در این فراز نورانی جلوه‌نمایی می‌کند واژه‌ها و صیغه‌های تفضیلی است که برترین، نیکوترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین و رشد یافته‌ترین درودها، برکتها، رحمتها و سلام‌ها را نثار وجود نازنین پیامبر اکرم علیه السلام می‌کند. (فالح، ص ۱۱۳)

۲-۲. معروفی مقام پیامبر اکرم علیه السلام در دعای افتتاح

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرِتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظْ سِرِّكَ وَمُبَلِّغْ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْفَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَشْفَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنَتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ

الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ حَلْقَكَ.

خدایا بر محمد، بنده و رسولت و امین و برگزیدهات، دوست و با
فضیلترين خلق و حافظ سر تو و رساننده رسالتهاي تو درود فرست؛
چنان که برترین، بهترین، زیباترین، کاملترین، پاکترین، پرنمودترین،
خوشبوترین و پاکیزهترین و بلندترین درودها باشد؛ درودی بیش از درود،
برکت، مهروزی، منت و سلاح می باشد که بر دیگر بندگان، پیامبران،
رسولان، برگزیدگان و کریمان می فرستی.

این بند از دعا موقعیت رسول اکرم ﷺ را از نظر مقام و مرتبت به حدّ والای خود
بیان می کند (زمردیان، ص ۸۱۶) و اوصاف ممتازی برای آن حضرت برمی شمارد که
عبارة اند از:

۱-۲. عبدالله

اولین صفت بیان شده برای پیامبر اکرم ﷺ توسط امام زمان(عج)، صفت عبد
است.

حضرت مقدم فرموده است عبودیت را بر رسالت، زیرا صفت عبودیت، اشرف
از رسالت است و ایضاً روایت شده است از حضرت صادق ؑ در شرف عبودیت
که «عين» عبد، عبارت است از علم به خدا و «با» آن، عبارت است از دوری از غیر
او و « DAL » آن، عبارت است از قرب به خدا که مأخوذه است از دنو به خدای سبحانه.
(مدرّسی چهاردهی، ج ۱، ص ۱۷۶)

در این فراز امام معصوم ؑ پیامبر اکرم ﷺ را معروفی می کند که او بندهای تمام
عيار است و هرگز از خود حرفی ندارد، بلکه هرچه هست وحی پیام خداست و از
بهترین بندگان است که خداوند متعال برگزیده است و اینکه او در کمال امانت آنچه
را که می بایست عمل کند، به جا آورده و تو پیوسته به او گفته بودی که مشفقاته عمل
کند و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی و او هم برآنچه دستور داده بودی عمل
کرد و مشفقاته نصیحت نمود. (ممدوحی کرمانشاهی، ج ۱، ص ۴۱۷)

بنده بودن خدا شرایطی دارد و وظایفی در آن شرایط داخل است تاکسی بتواند بگوید من بنده خدا هستم. البته ادعای مخلوقیت، مستلزم هیچ شرطی نیست و همه کس و همه موجودات می‌توانند بگویند ما مخلوق خدا هستیم ولی ادعای بنده‌گی، فقط در شان انبیا و اولیای خداست و از همین جهت است که مقام بنده‌گی در مرتبه‌ای قرار دارد که اعضای اصلی اهل بهشت را صاحبان این مقام تشکیل داده‌اند. (زمردیان، ص ۳۰۷-۳۰۸)

هم چنان که خداوند می‌فرماید: «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» (الفجر (۸۹) / ۲۹)، «پس در زمرة بندگان من درآی». و سپس می‌فرماید: «وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» (الفجر (۸۹) / ۳۰)، «پس به بهشت من درآی».

نتیجه آنکه مقام بنده‌گی در مرتبه‌ای است که اهمیت آن را قرآن مجید رسانیده و از این جهت است که امام علی^ع در درود مخصوص بر رسول اکرم علیه السلام عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ...»

حقیقت این مقام در شان انبیا و اولیای خدا مصدق کامل دارد و آنان می‌توانند این ادعا را داشته باشند. بنده خدا رسول اکرم علیه السلام است که خدای تعالی در مقام شایستگی، او را با این سمت خوانده است:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيَلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمُسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾

(الاسراء / ۱)

منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی سیر داد...

بر جسته ترین سیمای حضرت که بستر رسیدن به کمالات دیگرش بود بنده‌گی و عبودیت او بود. (خمینی، ص ۱۲۴) در هفت آیه از قرآن کریم، صفت «عبد» برای خاتم پیامبران ذکر شده است که هر کدام با توجه به سیاقش، وجهی از «عبد» بودن پیامبر علیه السلام را بیان می‌فرماید. مهم‌ترین صورت اصلی «عبد»، در عبادت آشکار



۲-۲. رسول الله

می شود و رسول خاتم ﷺ نیز از همان اوایل بعثت این علامت بندگی را داشته‌اند: «عبدًا إذا صَلَّى» (العلق (٩٦). عبادت و بندگی خداوند برای آن حضرت، عاملی جهت گوشہ‌گیری و رهبانیت نبود، بلکه خود نوعی حرکت و رشد بود تا دیگران را آگاه و حقایق را برایشان بازگو نماید و اصل حقیقت، پذیرفتن بندگی خدا در برابر بندگی بتهاست و والاترین وظيفة «عبد»، آن است که با رساندن پیام مولا، بندگان را از ظلمات خارج کند و به سوی نور رهنمون شود.

خطاب به رسول از آن جهت [است] که عظمت رسالت را در مقابل منافقان بیان فرماید، که هدایت اصلی به دست خداوند است و پیامبر فقط پیام‌رسان الهی است؛ هرچند که منافقان، حق را می‌بینند ولی به سمت کفر شتابان اند. (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۸۳)

در هر دو آیه، ملاطفت و مهربانی الهی به رسول به‌گونه‌ای بیان شده است که ایشان با همان یقین کمال یافته، بتوانند از دو مسیر گزند مردم جاهم و منافقان عالم به راحتی پیام الهی را ابلاغ نمایند. صفت «رسول» برای خاتم پیامبران ﷺ در قرآن کریم جمعاً ۱۴۰ مرتبه تکرار شده است.

رسول، انسانی است که خداوند او را با رسالتی ویژه به سوی قومی مبعوث می‌کند تا ایشان را به آموزه‌های اسلام هدایت نماید. او در این مأموریت، معجزه‌یا معجزاتی از جانب خدای متعال به همراه دارد که گواه بر صدق رسالت اوست و بدین وسیله، حجّت بر مردمی که خداوند وی را به سوی آنان فرستاده است تمام می‌شود. تکذیب و مخالفت با آن پیامبر، بدختی و عذاب یا هلاکت دنیا را درپی خواهد داشت و انواع عذاب در آخرت. اینجاست که به پیامبر نذیر و منذر یعنی بیم‌دهنده گفته می‌شود. از طرفی دیگر، ایمان به رسول و فرمان‌برداری از وی، سعادت دنیا و رحمت و بخشایش و رضایت و بهشت خدا را در آخرت به همراه

دارد و در این صورت، این پیامبر بشیر و مبشر، یعنی بشارت دهنده نیز است.
(عسگری، ج ۲، ص ۳۲)

۲-۳. امین الله

سومین صفت از اوصاف پیامبر ﷺ، «امین الله» است که امام زمان(عج) به آن اشاره فرموده‌اند. ایشان امین وحی بودند؛ یعنی قوانین و مقررات و دستورات و حلال و حرام خدا را در طول بیست و سه سالی که به عنوان رسول در بین مردم بودند و با وجود آنکه به مشتقّات و بلاها دچار می‌شدند، بدون کم وزیاد و تغییر و تبدیل به مردم می‌رسانندند.

پیامبرا کرم ﷺ هرگز از خود حرفی نداشت، بلکه مأموریتی الهی داشت و همه آنچه را که به آن امر می‌فرمود یا از آن نهی می‌کرد، متن دستور حضرت حق بود؛ یعنی آنچه را از خداوند متعال می‌گرفت با دقّت تمام در چهار مرحله زیر حفظ و به طور صحیح و بدون کم وکالت به مردم ابلاغ می‌کرد. این چهار مرحله عبارتند از:
اولاً: آنچه حضرت از جبرئیل دریافت نمود تمام آن چیزی بود که جبرئیل باید تحويل می‌داد.

ثانیاً: آنچه را که دریافت نمود بادقت تمام حفظ کرد، به طوری که هیچ چیزی از آن کم نشد.

ثالثاً: آنچه را که به مردم ابلاغ فرمود تمامی آن چیزی بود که مأمور ابلاغ آن بود.
رابعاً: آنگاه که رسالت خود را می‌رساند به بهترین و عالی‌ترین نوع تبلیغ متولّ گشت و هنرمندانه‌ترین روش را در دعوت از مردم به کار گرفت (ممدوحی کرمانشاهی، ج ۱، ص ۲۷۳).

پس امینی بالاتر از پیام آور وحی نیست، آن‌هم این‌گونه که مورد تأیید پروردگار قرار گرفته است. حضرت محمد ﷺ، امین خداست؛ یعنی کسی که خداوند تنها او را از میان تمام بندگان خود برگزیده است تا زمام اختیار دین و دنیای مردم را



۴-۲. صفائی الله

به دست او بدهد. حضرت از زمان نوجوانی به دلیل امانت‌داری و درست‌کاری و اعتمادی که همه به او داشتند به محمد امین ملقب گشت و در این دعا می‌گوییم پیامبر ﷺ، امین خدا بود؛ چرا که آنچه نزد او به امانت می‌گذاشت از علوم و معارف و دستوراتی که از ناحیه غیب به حضرت می‌شد، کم و زیاد فراموش نمی‌کرد و مأمور ابلاغ وحی بود (طالعی، ص ۴۰).

صفی، به معنای کسی است که به سبب نابودن و دوری از ناخالصیها برگزیده شده است. (مصطفوی، ج ۶، ص ۲۵۸) وقتی عسل را آب می‌کنند و موش را می‌گیرند، خالص و مُصفّاً یعنی تصفیه شده می‌شود و پیامبر اکرم ﷺ به اعتبار اینکه تصفیه شده موجودات و خلاصه آنهاست یا اینکه از دَغْل و عیوب روحی تصفیه شده است، به او «صفی» می‌گویند. (ایزدی، ص ۱۹۴)

اصطفا در اصطلاح اسلامی یعنی خداوند بنده‌اش را از شائبه و ناخالصیهاي موجود در دیگران تصفیه و پاک کرده است یا اورا بر دیگران برگزیده است. پیامبر اکرم ﷺ عصارة خلقت و برگزیده خداست و پیامبران، همگی برگزیدگان خدایند. (عسگری، ج ۲، ص ۳۰) و مصطفی هم از همین معنا گرفته شده که یکی از القاب رسول اکرم ﷺ و به معنی برگزیده است.

قرآن درباره پیامبران واژه‌هایی مانند «اصطفا» و «اجتباء» به کار می‌برد و ناگفته پیداست که «گزینش»، آهنگ تفضیل دارد نه استحقاق؛ زیرا بنابر استحقاق، انسانی که واجد ملاکات لازم برای پیامبری است خود به خود برای چنین مقامی معین می‌گردد و نیازی به انتخاب و گزینش نیست ولی ممکن است گفته شود گزینش اصطفا با استحقاق منافات ندارد؛ زیرا قائل به استحقاق نیز قبول دارد که پیامبران از جانب خدا برگزیده می‌شوند لکن مستحق ترین و سزاوارترین این گزینش هستند، چنان که پس از نام بردن گروه بسیاری از پیامبران چنین می‌فرماید: «وَاجْتَبَيْنَاهُمْ

وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿الانعام (٦) / ٨٧﴾، «آنان را برگزیدیم و به راه راست هدایت کردیم».

۲-۵. حبیب‌الله

واژه حبیب که در این فراز از دعای شریف، توسط امام عصر(عج) به عنوان صفت برای پیامبر اکرم ﷺ به کار برد شده، واژه‌ای است که در قرآن به کار نرفته ولی مشتقات واژه «حب» در کلام خداوند بسیار آمده است. ما در فارسی به «حبیب»، «دوست» می‌گوییم و برای بندۀ چه مقامی بالاتر از این که خداوند، انسانی را به عنوان دوست خود برگزیند. خداوند کسانی را به دوستی خود می‌گیرد که مبراً از رذایل و متصف به فضایل اخلاقی هستند و برای شناختن صفات و ویژگیهای دوستان خدا، بی‌شک باید آن را در قرآن جست جو کرد. قرآن می‌فرماید:

﴿فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران (٣) / ٧٦)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة (٢) / ١٩٥)، ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران (٣) / ١٤٦)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَّا كَانُوكُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ (الصف (٤) / ٦١)، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (البقرة (٢) / ٢٢٢)

در این آیات و آیاتی دیگر که در آنها گروه‌های متّقین، محسینین، صابرین، متوكّلین، توابین، متّطهّرین مورد محبت و دوستی خداوند معرفی شده‌اند، صراحتاً به برخی ویژگیهای اخلاقی آنها اشاره شده است. برحسب ملاک‌های قرآنی، رسول خدا در مرتبهٔ والای این حالات و ویژگیها قرار دارد و خداوند در تصدیق این بیان فرموده‌اند: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (القلم (٤) / ٦٨)، «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» این آیه شریفه هرچند به خودی خود حُسن خلق رسول خدا ﷺ را می‌ستاید و آن را بزرگ می‌شمارد، لیکن با درنظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعیش نظر دارد؛ اخلاقی که مربوط به معاشرت است از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و عفو و اغماض، سخاوت، مدارا و



تواضع (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۶۱۹). همچنین خداوند می فرماید: «**قُلْ إِنْ كُنْتُ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَتَيْتُعْوِنِي يُحِبِّكُمُ اللَّهُ**» (آل عمران (۳) / ۳۱)، «بگو اگر محبت خدا در دلهایتان مستقر شده، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد.» از این آیه، روش می شود که بین پیروی رسول ﷺ و محبت خدا ملازمه هست. هرکس که پیرو رسول خدا ﷺ باشد، خدا او را دوست می دارد و معلوم است که خدای تعالی بندای را دوست نمی دارد مگر وقتی که پیرو رسولش باشد و وقتی از رسول ﷺ پیروی کردند، به هر صفت خوبی که خدا آن را دوست می دارد متصف می شوند مانند تقاو، عدل، احسان، صبر، ثبات، توکل، توبه و خود را از پلیدیها دور نگه می دارند. پس دلیل انتخاب شدن پیامبر ﷺ به مقامی که خداوند حبیب او شود، روشن گشت.

۲-۶. خیره الله

خیر، چیزی است که همه کس به آن راغب می شوند مانند عقل، عدل، فضل و هر چیز سودمند دیگر. نقطه مقابل خیر، شر است (راغب اصفهانی، ص ۳۰۰) و خیره به معنی برگزیده آید مثل «**مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَّهِ خَيْرَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ**» است (قرشی، ص ۳۱۸) یعنی خداوند او را از بین همه خلائق برگزیده است. به چیز خوب خیر گویند؛ زیرا دلپسند است و آدمی به آن میل می کند.

در قرآن کریم، حضرت محمد ﷺ با صفت «خیره» وصف نشده‌اند ولی در این قسمت از دعا، حضرت مهدی (عج) پیامبر ﷺ را با صفت «**خَيْرٍ تَكَ مِنْ خَلْقِكَ**» معرفی کرده‌اند؛ یعنی «برگزیده‌ترین توازن بین خلق». در این قسمت ادله برگزیده شدن پیامبر ﷺ را بر حسب آیات و روایات ذکر می کنیم.

بر طبق روند دعا، در این صلووات بر پیامبر ﷺ دلیل برگزیده شدن ایشان را یکی پس از دیگری نام برده‌اند که به ترتیب چنین است: عبد خدا، رسول خدا، امانت دار خدا، صفاتی خدا، حبیب خدا، و انسانی با این صفات، دور از ذهن نیست که درباره اش گفته شود: «**خَيْرٍ تَكَ مِنْ خَلْقِكَ**»؛ چرا که هر کدام از این اوصاف، از مراتب بالای اعتقادی اخلاقی ویژه‌ای در صاحب خود حکایت می کند؛ چه رسد به آنکه



همه این خصوصیات در یک نفر جمع باشد.
به علاوه، با توجه به آیه «... اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَه...» (الانعام (٦ / ١٢٤)، روشن است که انتخاب الهی و رسالت، قبل از هر چیز مستلزم آمادگی روحی، پاکی ضمیر و سجایای اصیل انسانی، اندیشه قوی وبالاخره پرهیزگاری فوق العاده‌ای در مرحله عصمت است و وجود این صفات مخصوصاً آمادگی برای مقام عصمت، چیزی است که جز خدا نمی‌داند و خدا می‌داند این مقام را در چه جایی قرار دهد. (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۴۳۱) «وَلَقَدِ اخْتَرَنَا هُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (الدخان (٤٤ / ٣٢)، «همان آن‌ها را از روی علم بر مردم جهان برگزیدم». این آیه نشان‌دهنده این است که انتخابی بدون حساب نبود بلکه انتخاب و اختیاری از روی علم و قابلیت بوده است. همچنین در آیه «.... كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجْتُ لِلنَّاسِ» (آل عمران (٣ / ١١٠)، «... شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید» و «... هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَاجَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجَ...» (الحج (٢٢ / ٧٨)، «... او شما را برگزید و بر شما در این دین سختی قرار نداد...» گویای این موضوع‌اند که امت اسلام برترین امت‌اند و بر تمامی امتهای عالم برتری و فضیلت دارند (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۲۱۵) و مراد از «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»، اهل بیت رسول خدا علیهم السلام است. (سیوطی، ج ۲، ص ۶۴؛ طباطبایی، ج ۳، ص ۵۹۱) نکته مهم این است که در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین امت معرفی شده‌اند؛ چرا که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده‌اند و یکی از ادله بهترین امت بودن آن‌ها ایمان داشتن آن‌ها به خدا ذکر شده است. پس دلیل بهترین امتها بودنشان روشن شد. زیرا آن‌ها دارای آخرین ادیان آسمانی هستند و آخرین دین روی حسابِ تکامل، کامل‌ترین است. (طباطبایی، ج ۴، ص ۵۸۴)

پس آخرین پیامبر نیز کامل‌ترین و بهترین پیامبر می‌باشد زیرا که دین او و کتاب او و برنامه‌ای که او برای سعادت بشر می‌آورد کامل‌ترین و بهترین است و مگر می‌شود امتی را که او هدایت کرده بهترین امت باشند ولی خود برگزیده‌ترین نباشد. رسول خدا علیهم السلام فرموده‌اند: به من چیزهایی داده‌اند که به احدی از انبیا نداده‌اند یکی اینکه کلیدهای زمین را در اختیار دارم و

۷-۲. حافظ سرّ الله

سرّ يعني نهان، امر پوشیده. (قرشی، ج ۳، ص ۲۵۳) سرّ به معنی نجوا و رازگفتن و سرّ، حدیث مکتوم در نفس است و خدا هم حدیث نفس و سخن باطنی و هم راز گفتن را می‌شنود. (قرشی، ج ۳، ص ۲۵۳) در آیه «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيًّا» (التحريم ۶۶ / ۳) و «سُرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» (المتحنة ۶۰ / ۱)، «به محبتی که در دل به آن‌ها دارند آگاه‌شان نموده‌اند» و این معنی، به «**يظہرون**»، یعنی «دوستی را برآنان آشکار می‌کنند» تقسیر شده است. سرّ به معنی راز، امر نهفته و چیزی که در نفس پنهان کننده است. (زمدیان، ص ۳۲۳) «و آن مطلب پنهانی است که انسان به هر کسی نمی‌تواند بگوید.» (ایزدی، ص ۱۹۴) امیر المؤمنین علیه السلام در بیان خصوصیات آل پیامبر می‌فرماید: «وَمَوْضِعَ سِرِّهِ» (نهج البلاغه، خطبة ۲، ۴۷) «آل پیامبر محل اسرار حضرتند.»

این جمله از فقره مورد شرح دعای افتتاح **حافظ سرّک** در معنا به قدری واجد

اینکه امّم را بهترین امّت قرار دادند.» (طاطبایی، ج ۳، ص ۵۹۱)

و نیز می‌فرمایند: خداوند خلائق را آفرید، عرب را برگزید و قریش و بنی هاشم و من انتخابی از انتخاب شده‌ها هستم. (مجلسی، ج ۲۵، ص ۲۴۸) پیامبر اکرم علیه السلام «خیرتک مِنْ خَلْقِكَ» است؛ زیرا برگزیده انبیا شد، اصطفا و اجتبای شد و درنهایت از طرف خدا اختیار شد؛ چرا که همه خوبیهای خلق و خلق در او جمع بود.

امام (عج) در اینجا درخواست صلووات و درودی برای جدّ بزرگوارشان می‌کنند، بدین‌گونه که برتر باشد از آنچه درود فرستادی و برکت دادی و رحمت دادی و تهنیت فرستادی بر هر یک از بندگان خاصّت و پیغمبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل کرامت و احترام؛ یعنی درودی را خواهان است که از همه بالاتر باشد و تا به حال بر کسی نفرستاده باشد. در حُسن ختام فراز صلووات بر پیامبر اکرم علیه السلام باید اضافه کرد که این مأموریّت چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور بر عهده وجود مقدس امام زمان(عج) است که جدّ بزرگوارشان را بر همگان بشناساند.

اهمیت است که در خلال دعاها و زیارت‌ها و به خصوص زیارت جامعه کبیره و در چند مورد دیگر با مضامین گوناگونی تکرار شده و چنین آمده است: «وَحَفَظَهُ لِسِرِّهِ وَأَخْتَارَ كُمْ لِسِرِّهِ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ». لذا چنین نمودار است که موضوع اسرار الهی بسیار مهم و معنای آن در سطحی گسترده است.

روایات بسیاری است گویای آنکه اسرار الهی که نزد پیامبر اکرم ﷺ بود به امیر المؤمنین علیہ السلام سپرده شد و امیر المؤمنین علیہ السلام به امام مجتبی علیہ السلام و همچنین به سلسله امامان تا امام زمان (عج) رسید. این اسرار را باید حجت خدا بداند؛ آنکس که جهان در انتظار مقدم اوست؛ آنکس که باید رهبری خلق عالم را به عهده گیرد و زمانی در رسید که سیر تکامل دانش بشری به مرحله‌ای درآید که به اذن خدای تعالی پرده‌ها برداشته و رازها آشکار گردد و خلق عالم این شایستگی را پیدا کنند که به وسیله آن بزرگوار با پاره‌ای دیگر از اسرار الهی آشنا شوند. (زمزدیان، ص ۱۹۴)

۸۲ مبلغ رسالات الهی

«وَمُبْلَغٌ رِّسَالَاتِكَ». پیامبر ﷺ ابلاغ کننده رسالات و پیام‌های پرورده‌گار بود. حضرت علاوه بر مقام نبوّت، رسالت هم داشتند. هم از وحی خبر داشتند و هم مأمور به ابلاغ دستورات الهی یا اتمام حجت بودند. (ایزدی، ص ۱۹۵) خداوند، پیام‌های خود را برای تبلیغ به هر کسی نمی‌سپارد. رساننده پیام‌های الهی، بنده برگزیده خدادست که به حکمت الهی در لباس بشری است، اما با مقام الهی و آسمانی. دقت در هر یک از این تعبیرات، دریچه‌ای از مقام الهی پیامبر ﷺ را به روی ما می‌گشاید. اینک ماییم و این نعمت بس ارزنده خداداد که به عنوان امّت او برحوان احسان معنوی او نشسته‌ایم» (طالعی، ص ۴۱)

پس باید او را ارج نهیم و قدر آن را بدانیم.



نتیجه

بهترین قالب ارتباطی میان انسان و معبد خود، قالب دعا و نیایش است؛ به طوری که در فرهنگ اسلامی مهم‌ترین آموزه‌های دینی از این طریق بیان شده است. با توجه به اینکه دعای افتتاح در بردارنده سه اصل از مهم‌ترین اصول دین، یعنی توحید، نبوت و امامت است، می‌تواند یکی از تأثیرگذارترین ادعیه در جهت تعمیق آثار معنوی دعا و تحکیم زیربنای اعتقادی افراد شود.

هر کدام از دعاهایی که از پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام به دست ما رسیده، خوانی است آسمانی که برای ما گسترده‌اند تا از آن بهره گیریم و به غنای معنوی دست یابیم. سخن این است که در لابه‌لای سطور هر دعا، به قدری حقایق نهفته است که ره‌توشهای است برای حرکت همیشگی کاروان انسان‌ها به سرمنزل انسانیت، به این شرط که در آن‌ها ژرف بنگریم و عبارات آن را که در کمترین کلمات، عمیق‌ترین معانی را دارند سرسری نگیریم و از آن آسان نگذریم.

متن‌پژوهی دعای افتتاح ما را به این دستاورده رهنمون می‌شود که صلوات بر رسول اکرم علیه السلام در ادعیه، جزء لا ینفک دعاست؛ چرا که خود در بردارنده یک دوره اصول اعتقادی است. از بررسی مسئله نبوت در دعای افتتاح، دلیل برتری و انتخاب رسول اکرم علیه السلام برای مقام رسالت و اسوه حسنہ بودن بر ما روشن شد و اینکه صلوات بر نبی مکرم اسلام یکی از ضروری‌ترین شروط قبولی دعاست و نیز معیار و ملاک‌های برترین انسان، و بهترین درس را به ما تعلیم می‌دهند. ناگفته پیداست که این نوشتار کوچک هرگز مدعای بیان تمام حقایق آن دعای بزرگ و جایگاه نبوت در این دعا را ندارد. از این رو با تمام وجود امید می‌رود که امام عصر (عج) خردی این نوشتار را به بزرگی آسمان آسای خود بپوشاند و بداند که می‌دانیم و ایمان داریم که این مطلب نمی‌بود از یمی.

منابع

۱. قرآن.

۲. نهج البلاغه.

۳. ایزدی، عبّاس. شرح و تفسیر (عرفانی، فلسفی و اخلاقی) دعای افتتاح، آفتاب خوبیان. بی‌جا، ۱۳۸۳

ش.

۴. خمینی، سید روح الله. تفسیر سوره حمد. تهران: عروج، بی‌تا.

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. ناشر دارالعلم الدار الشامیه، دمشق: بیروت، ۱۴۱۲ق.

۶. راوندی، قطب الدین. اللدعوات. انتشارات مدرسه امام مهدی (ارواحنا فداء)، قم: ۱۴۰۷ق.

۷. زمردیان، احمد. وصال العارفین شرحی بر دعای عرفه امام حسین علیہ السلام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌جا، ۱۳۸۷ش.

۸. زمردیان، احمد. بیان حقیقت بیانات ولی عصر(عج) شرح افتتاح. کتابفروشی اسلامیه، بی‌جا، ۱۳۵۰ش.

۹. سیوطی، عبد الرحمن جلال الدین. الدرالمنشور فی تفسیرالمأثور. قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۰. فلاح، سید مجتبی. ره توشه راهیان نور (مروری بر دعای افتتاح). قم: رشید، ۱۳۸۸ش.

۱۱. قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.

۱۲. طالعی، عبدالحسین. درس‌هایی از دعای افتتاح. تهران: شرکت نشر بهینه فرآگیر، ۱۳۸۷ش.

۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

۱۴. عسگریور، مؤید. ذکر اسرارآمیز صلوات. قم: انتشارات جمال، ۱۳۸۳ش.

۱۵. عسگری، سید مرتضی. عقاید اسلام در قرآن. مترجم: محمد جواد کرمی، انتشارات منیر، بی‌جا، ۱۳۸۶ش.

۱۶. متّقی، عبدالله. دعا. تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، بی‌تا.
۱۷. مدرّسی چهاردهی، محمدعلی. شرح و ترجمه صحیفه سجادیه. تصحیح: فاضل پاکتچی، منتشرات مکتب المرتضویه لاحیاء آثارالجعفریه، بی‌جا، بی‌تا.
۱۸. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار الجامعه للدرر أخبار الأئمّه الأطهار. تهران: دارالكتب الاسلامیه، بی‌تا.
۱۹. مشکینی، علی. المصباح المنیر. قم: نشر الهادی، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالكتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. مددوحی کرمانشاهی، حسن. شهود و شناخت. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۲۳. نیکزاده، یاس. سرّ مرتبط در فلسفه نیایش. مشهد: نشر رستگار، ۱۳۸۴ ش.